

## الگوی مصرف در آیات و روایات

حسب زمانی محبوب  
کارشناس ارشد تاریخ اسلام

### چکیده

مصرف از مؤلفه‌های اساسی زندگی بشر است و زندگی بدون مصرف، کاری ناشدنی به حساب می‌آید. مصرف، به خودی خود، نه تنها امری مذموم نیست که برای رفع حوائج بسیار لازم و ضروری نیز هست، اما آنچه به منزله پدیده‌ای ناپسند به نظر می‌آید، مصرف زیاده یا مصرف خارج از الگوهای مناسب است.

گذر از فرهنگ مصرفی به سمت نظام و فرهنگ مصرف اسلامی، نیازمند بررسی و شناخت اصول و مبانی مصرف در اسلام است. در این نوشتار بر آنیم تا ضمن رد اسراف و بخل، اصول و مبانی و الگوی صحیح مصرف در اسلام را مبتنی بر آموزه‌های دینی و آیات و روایات، که وجه مشخصه آن اعتدال و میانه روی است، بیان نماییم.

واژگان کلیدی: اسراف، بخل، مصرف، اعتدال و میانه روی، قرآن کریم، امامان معصوم.

### مقدمه

«همه ما به خصوص مسؤلان قوای سه گانه، شخصیت‌های اجتماعی و آحاد مردم باید در سال جدید در مسیر تحقق این شعار مهم، حیاتی و اساسی یعنی اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه‌ها برنامه ریزی و حرکت کنیم تا با استفاده صحیح و مدبرانه از منابع کشور، مصداق برجسته‌ای از تبدیل احوال ملت به نیکوترین حالها، ظهور و بروز یابیم.»<sup>۱</sup>

رهبر معظم انقلاب آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، در پیام نوروزی، سال ۱۳۸۸ را سال «اصلاح الگوی مصرف»<sup>۲</sup> نامیدند. البته این بحث تازه‌ای نیست که معظم له پیش روی ملت گشودند، بلکه با کمی بررسی متوجه می‌شویم که اصلاح الگوی مصرف و تصحیح رفتار

اسراف گرایانه دغدغه اساسی رهبری بوده و ایشان در سخنرانی‌های متعدد این موضوع را گوشزد نموده‌اند.<sup>۳</sup>

با توجه به اهمیت بسیار فراوان این موضوع از دیدگاه ایشان و سایر دلسوزان انقلاب اسلامی، بررسی و تبیین و ترسیم صحیح الگوی مصرف امری بسیار ضروری است که در این میان آیات الهی و روایات ائمه معصومین بهترین منبع و مصدر برای معرفی این الگو می‌باشند. در این مقاله این موضوع را پی می‌گیریم.

### الگوی مصرف

الگو حالت انتزاعی و ساده شده یک واقعیت و پدیده عینی در جامعه است که به وسیله آن می‌توان آن واقعیت را تجزیه و تحلیل و همچنین عناصر آن را پیش بینی کرد. گاهی نیز ممکن است با کشف الگوهای رفتاری خاص، در صدد تثبیت آن در جامعه باشیم. الگوی مصرف نیز از یک سو، راهنمای حرکت جامعه در مسیر تخصیص بخش وسیعی از منابع کمیاب و از سوی دیگر عامل تنظیم و تأمین نیازهای واقعی جامعه است.

شکل و سطح مصرف افراد یک جامعه، الگوی مصرف آن جامعه را تشکیل می‌دهد. الگوی مصرف، شامل کمیت و کیفیت احکام مصرفی افراد یک جامعه و به طور کلی رفتار و کردار مصرف کنندگان کالاها و خدمات (افراد، خانوارها، بنگاه‌ها، دولت و...) است که تحت تأثیر استاندارد مصرف، درآمد، موقعیت اجتماعی و از همه مهم‌تر اعتقادات و مبانی فکری فرد و جامعه تغییر می‌کند.<sup>۴</sup>

تبیین و ترسیم الگوی صحیح مصرف از آن رو مهم است که در جهت گریه‌های فرهنگی، اجتماعی و مهم‌تر از همه اقتصادی کشور تعیین کننده است.<sup>۵</sup> با شناخت و تبیین الگوی مصرف بر اساس مبانی اعتقادی و اسلامی، می‌توان جامعه را از فروغلتیدن در منجلاب شوم پدیده «مصرف گرایی» که ارمغان استعمار نو است،<sup>۶</sup> نجات داد و آن را به سوی خوداتکالی سوق داد.<sup>۷</sup>

### حدود و ویژگی‌های مصرف در نظام اقتصادی اسلام

مقدار مصرف در هر جامعه‌ای تأثیر پذیرفته از جهان بینی و مکتب فکری آن جامعه است. برخلاف امپریالیسم تبلیغی که در پی ترویج مصرف گرایی افراطی است، مکتب حیاتبخش اسلام به دنبال اعتدال و اقتصاد است و برای مصرف حد و حدود و ویژگی‌هایی را مشخص کرده است.<sup>۸</sup>

در نظام حقوقی اسلام، مقدمه تصرف در اشیاء مالکیت مصرف کننده است. تأثیر اساسی این نگرش بر مصرف این است که صرف مالکیت، مجوزی برای هر گونه مصرف نمی‌باشد. یعنی فرد مسلمان نمی‌تواند به بهانه مالکیت بی چون و چرای خویش بر اموال و دارایی‌هایی که در دست دارد، بدون هیچ گونه قید و بند و به هر نحوی، آنها را در جهت تأمین مقاصد و لذتهای شخصی به کار گیرد. هر کس که خداوند متعال روزی گسترده ای به او داده، حق ندارد آن را هرگونه که دلش خواست به مصرف برساند، زیرا این کار با قانونمندی جهان و توازن روزیها و بالاتر از همه اینها با قوانین الهی در تضاد است. اسلام به هیچ روی روا نمی‌دارد که آنان که از امکانات وسیعی برخوردارند، به هرگونه که دلشان خواست مصرف کنند، در صورتی که در کنار ایشان شکم‌هایی گرسنه و جگرهایی سوخته وجود داشته باشد.<sup>۹</sup>

خداوند کریم لوازم بقای نوع بشر را فراهم کرده، مواهب و نعمات موجود را در اختیار انسان قرار داده<sup>۱۰</sup> و استفاده از آنها را برای انسان موجب قوام وی دانسته است؛<sup>۱۱</sup> در عین حال برای آن اسلوب و قالب مشخصی ارائه کرده و استفاده از هر کدام از مواهب و نعمتهای موجود را منوط به وجود دو شرط اساسی حلال بودن و طیب بودن آنها می‌داند.

وَكُلُوا مِنَّمَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ. (مانده: ۸۸)

از آنچه حلال و پاکیزه است و خداوند روزی شما کرده است بخورید، و از خنایی که به او ایمان آورده‌اید پروا داشته باشید.

و در جای دیگر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِنَّمَا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ. (بقره: ۱۶۸)

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گامهای شیطانی پیروی نکنید. اگر از حلیت مال و حلیت تصرف بگذریم، باز هم دست مصرف کننده باز نبوده، بلکه احکام وضعی و تکلیفی خاصی بر آن حاکم است.<sup>۱۲</sup> اسلام حرام کردن جلال خدا و حلال کردن حرام خدا را مذموم می‌شمارد.<sup>۱۳</sup> مصرف برخی موارد را ممنوع (حرام) می‌شمارد و حتی در میان موارد مجاز نیز محدودیتهایی (مکروه) برای مصرف کننده اعمال کرده است و حتی در مواقعی نیز صرف درآمد را در بعضی از راهها مورد تشویق قرار داده است. (انفاق، زکات و...)

موارد مصرفی مسلمانان دارای دو شق فردی و اجتماعی است که برای هر کدام از این دو، حد بالا و حد پائینی مشخص شده است. حد بالا عبارت است از اسراف و حد پائین عبارت است از بخل، که در ادامه به بررسی آنها و عواقب شومشان خواهیم پرداخت و آیات و روایاتی را که به مذمت و نکوهش این روشهای نادرست پرداخته‌اند، ذکر خواهیم کرد.

اسراف مصدر باب افعال و به معنای تجاوز کردن از اندازه و اعتدال است. صاحب «سفینه البحار» می‌گوید: «اسراف تجاوز از حد است در هر فعلی که آدمی انجام می‌دهد، هر چند بیشتر درباره خرج کردن (و مصرف) به کار می‌رود؛ و گاه به اعتبار اندازه و کمیت گفته می‌شود اسراف شد، و گاه به اعتبار چگونگی و کیفیت.»<sup>۱۴</sup>

تجاوز از حد یا در خصوصیات نفسانی و صفات اخلاقی است، که سبب سلب تعادل انسان در معنویات و شخصیت باطنی او می‌گردد، یا در افعال خارجی که مهمترین آن متعلق به مصرف کردن است.

در قرآن کریم این واژه و مشتقات آن با معنای واحد و مصداقهای متعدد به کار رفته است.<sup>۱۵</sup> در سوره فرقان آیه ۶۷ آمده است:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

کسانی که چون خرج کنند نه اسراف کنند و نه خست و رزند، و میان این دو حالتی میانه معتدل باشد.

پیامبر اکرم (ص) در تفسیر این آیه به زیبایی معنای اسراف و بخل را بیان می‌دارند: «هر کس در غیر مورد لازم (بجا و درست) خرج کند اسراف کرده است، و هر کس از خرج کردن در جای لازم (بجا و درست)، پرهیز کند خست و رزیده است.»<sup>۱۶</sup>

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «كُلُّ مَازَاةٍ عَلَى الْإِقْتِصَادِ اسْرَافٌ.»<sup>۱۷</sup> هر چه افزون بر میانه‌روی باشد اسراف است.

و نیز می‌فرماید: «بیش از کفاف (مقدار متعارف رفع نیازها) اسراف است.»<sup>۱۸</sup> و امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَإِنَّ الشَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، حَقِّ طَرَحُكَ النَّوَاةِ، فَأَنْهَا تَصْلِحَ لِسِيءًا.<sup>۱۹</sup>

میانه‌روی چیزی است که خدای بزرگ آن را دوست می‌دارد، و اسراف چیزی است که خدای بزرگ آن را دشمن می‌دارد، حتی به دور انداختن هسته، که آن نیز برای کاری شایسته است.

### نهی از اسراف و تبذیر

در آیات و روایات فراوانی به نهی و دوری‌گزینی از اسراف و تبذیر اشاره شده است که به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

سؤال نهم - شماره ۳۳

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (اسراف: ۳۱)

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، که خدا اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.

كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (انعام: ۱۴۱)

از میوه آن (درختان باران) هنگامی که بار دادند بخورید، و روز چیدن، حق (مستحقان) را بدهید، و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.

شیخ طبرسی در مجمع البیان می‌گوید: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ، أَيْ: يَبْغِضُهُمْ، يَعْنِي خَدَاوَنِدَ مَسْرِفَانَ رَا دَشْمَنَ مِي دَارِد.»<sup>۲۰</sup>

ثُمَّ صَدَقَاتُهُمُ الْوَعْدَةَ فَأَلْحَقْنَا لَهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ. (انبیاء: ۹)

پس وعده‌ای که داده بودیم انجام دادیم، و آنان و کسانی را که می‌خواستیم نجات دادیم، و مسرفان را هلاک کردیم.

خداوند متعال در قرآن، مسرفان را فسادکنندگان در زمین می‌خواند:

وَلَا تُظْهِرُوا أَمْوَالَكُمْ الَّتِي بَيْنَ يَدَيْكُمْ فِي الْبِلَادِ الَّتِي لَا تَبْنِي وَلَا تَحْنَقُ وَلَا يُصْلِحُونَ. (سجرات: ۱۵۱ و ۱۵۲)

از مسرفان اطاعت نکنید، کسانی که در زمین فساد می‌کنند و به اصلاح نمی‌پردازند.

فیض کاشانی در تفسیر صافی می‌گوید: «تعبیری که در آیه (فوق) آمده است (یفسدون... لا یصلحون) دلیل بر آن است که مسرفان صد درصد مفسدند.»<sup>۲۱</sup>

در قرآن ضمن نهی مسلمانان از تبذیر،<sup>۲۲</sup> تئذیرکنندگان نیز مانند مفسدان<sup>۲۳</sup> برادران شیاطین خوانده شده‌اند:

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. (اسراء: ۲۷)

تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند، و شیطان به درگاه پروردگار خویش بس ناسپاس بود.

امامان معصوم (ع) نیز در احادیث فراوان نسبت به این مسئله تذکر داده و عاقبت شوم اسراف کنندگان را یاد آور شده‌اند: امام علی (ع) می‌فرماید:

فَدَحِ اسْرَافٌ مُتَقَصِّدًا.<sup>۲۴</sup>

اسراف را فروگذار و میانه‌رو باش.

و در جای دیگر می‌فرماید: «میانه‌روی افزایش‌دهنده ثروت است و اسراف نابودکننده آن»<sup>۲۵</sup> آن

امام همام عاقبت مسرفین و تبذیرگران را نیز چنین بیان می‌دارد:

آگاه باشید! خرج کردن مال در راه نادرست (و بیهوده) تبذیر و اسراف است؛ و این کار خرج کننده را در دنیا بالا می‌برد، و در آخرت پایین می‌آورد، و او را در نزد مردم بزرگ می‌کند، و در

نزد خدا خوار هیچ کس مال خود را در راه ناصواب و برای ناهلان خرج نکرد، مگر اینکه خداوند او را از سپاسگزاری (و حق شناسی) ایشان محروم ساخت، و از محبت ایشان بی نصیب گردانید، و اگر روزی پای او لغزید (و دچار حادثه ای شد) و به کمک آنان نیازمند گردید، دید که بدترین یاران و پست ترین دوستانند.<sup>۲۶</sup>

امام صادق (ع) در تأیید اعتدال و ذم اسراف می فرماید:  
«میانہ روی چیزی است کہ خدای بزرگ آن را دوست می دارد، و اسراف چیزی است کہ خدای بزرگ آن را دشمن می دارد»<sup>۲۷</sup>

امام صادق (ع) در جای دیگر به نقل از پیامبر اکرم (ص) می فرماید:  
إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ... وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَأَتَقَهُ، ثُمَّ أُتْبِلَ يَدْعُو: يَا رَبِّ ارزُقني! فيقولُ اللهُ عزَّوجلُّ: أَلَمْ أُزِفْكَ رِزْقًا وَاسِعًا؟ فَهَلَّا اتَّقَصَدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَتَمَّ شَرِيفٌ، وَقَدْ تَهَيَّيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ؟...<sup>۲۸</sup>

گروههایی از امت من دعایشان مستجاب نمی شود... و مردی که خدا مال فراوانی روزی او سازد، و او آن مال را خرج (و و نخرجی) کند، سپس رو به دعا آورد و بگوید: پروردگارا به من روزی بده! خداوند بزرگ به چنین کسی می گوید: «مگر به تو روزی گسترده ندادم، چرا چنانکه به تو امر کرده بودم میانہ روی نکردی و به اسراف پرداختی، در صورتی که من تو را از اسراف نیز نهی کرده بودم؟»

امام حسن عسکری (ع) درباره پرهیز از اسراف می فرماید:  
... عَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ، وَإِتَاكِ وَالْإِسْرَافِ، فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ.<sup>۲۹</sup>  
... بر تو باد به میانہ روی، و پرهیز از اسراف، که آن کاری شیطانی است.

از پیامبر (ص) روایت است که اسراف و تبذیر سبب فقر است<sup>۳۰</sup> و هر کس اسراف و تبذیر کند، نعمتهایش از دست می رود چرا که هیچ خیری در اسراف نیست.<sup>۳۱</sup>  
اسراف به حدی مذموم و نکوهیده است که افراد حتی از انفاق کردن بی حد و مرز نیز نهی شده اند و باید حد آن را نگهدارند.

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. (نوران: ۶۷)  
کسانی که چون انفاق کنند، نه به اسراف پردازند، و نه خست و ورزند، و میان این دو حالتی متعادل دارند.

از امیرمؤمنان علی (ع) روایت است که فرمودند:

كُنْ تَشْحًا وَلَا تَكُنْ مُبْتَدِرًا.<sup>۳۲</sup>

کریم و بخشنده باش، ولی زیاده روی مکن.

در این سخن حکیمانه از یک طرف به سنجیه ارزشمند بخشندگی اشاره شده است و از طرف دیگر اسراف در هزینه کردن مال، هر چند به صورت انفاق، هدیه، صلہ، صدقه و امثال اینها منع شده است.

هنگامی که خداوند توبه «ابولبابه»<sup>۳۳</sup> را پذیرفت، وی می خواست برای سپاس به درگاه خداوند همه مالش را انفاق کند، به پیامبر (ص) گفت: آیا رسول خدا (ص) اجازه می دهند که همه مالم را انفاق کنم؟ پیامبر (ص) فرمود: نه، گفت: دو سوم آن را؟ فرمود: نه، گفت: نیمی از آن را؟ فرمود: نه، و چون گفت: ثلث آن را؟ فرمود: آری.<sup>۳۴</sup>

خاستگاه نفسانی اسراف

انسان بنا بر طبیعت نخستین خود، گرایش به افراط یا تفریط ندارد و لذا اسراف خروج از حد و مرز الهی و فطری و چارچوب انسانی است؛ پس شخص مسرف انسانی نیست که در مسیر فطرت بشری حرکت کند، بلکه فردی متجاوز است. به عبارت دیگر اسراف با واقعیت وجودی انسان در تضاد است. همان گونه که تجاوز از حد در خصوصیات روحی سبب از بین رفتن تعادل انسان و توازن شخصیت او می شود، گذشتن از حد در قضایای اقتصادی و مصرف کردن لوازم معیشت و زندگی مادی نیز سبب از بین رفتن تعادل رفتاری انسان می شود؛ و در پی آن تباهی و نابسامانی پیش خواهد آمد.<sup>۳۵</sup> چون برخی از ابعاد شخصیت بشری در برخی دیگر تنیده است و در آن اثر می گذارد، بنابراین انحراف در یک بُعد سبب ایجاد و انحراف در بُعدهای دیگر خواهد شد؛ چنانکه اسراف، انسان اسرافکار را - اندک اندک - به تردید و بدگمانی گرفتار می کند که در پی آن گمراهی خواهد آمد:

كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٍ. (غافر: ۳۴)

بدین گونه خدا هر که را مسرف و گرفتار گمان باشد، (در نتیجه اعمال خودش) گمراه خواهد کرد.

همچنین اسراف به تکذیب حق و محروم ماندن از هدایت الهی منتهی می گردد:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ. (غافر: ۲۸)

خدا آن کس را که اسرافکار و تکذیب کننده (حق) است راهنمایی نمی کند.

در پرتو آنچه گفته شد، مشخص گردید که اسراف از عمده‌ترین سببهای تباهی و گمراهی است، که نتیجه آن منحرف شدن اوضاع فرد و اوضاع اجتماع است. مسرفان نه تنها خود را به مهلکه می‌اندازند، بلکه توده‌های مردم را نیز به تباهی و سقوط می‌کشانند و سرچشمه‌هایی می‌شوند. برای فسادهای فردی و اجتماعی و اخلاقی و تربیتی و اقتصادی و معیشتی... که هیچ امید صلاح و اصلاحی از آنان نمی‌رود.<sup>۳۴</sup> برای همین قرآن کریم دربارهٔ آنان چنین هشداری می‌دهد و با این تعبیر کوبنده مردم را از آنان می‌پرهیزاند و موقعیت اجتماعی آنان را خرد می‌کند: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ يُسَيِّدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُضْلِحُونَ» (شعراء: ۱۵۱ و ۱۵۲) در پایان این بخش قسمتی از کتاب بسیار ارزشمند «الحیاه» را که به حق یکی از بهترین منابع در خصوص این موضوع می‌باشد - نقل می‌کنیم:

عالمان دین و مسرفان دنیا: چون اسراف از عوامل سقوط فردی و ستم اجتماعی و از اسباب رواج فقر و ناگامی از سویی، و خودنمایی و بی بند و باری از سویی دیگر در میان مردم است، بر علمای دین است که با اسراف به مبارزه برخیزند و با مسرفان و بردگان مصرف بی حساب کارزار کنند، و در این راه از همهٔ وسایل و روشهایی که دارند مدد گیرند، تبلیغ، فتوی دادن، انتشار دادن کتابها و رساله‌ها، سخن گفتن بر منبرها، در مجالس و محافل و جمعه و جماعت، و تنظیم برنامه‌های تربیتی برای دانش‌آموزان کلاسهای ابتدایی، تا از نخستین سالهای آموزش و پرورش زبانهای اسراف را بیاموزند و آن را ترک کنند. نیز لازم است که روال زندگی شخصی خود ایشان و کسانشان از هر رنگی از رنگهای اسراف و اتراف منزّه و بدور باشد، و همچنین است مراسم و مجالس دینی که بر پا می‌دارند، یا بناهای اسلامی که به ساختن آنها اقدام می‌کنند و نظایر اینها.

امت مسلمان و مسرفان: لازم است مسلمانان نیز مسرفان را طرد کنند، و هر کس که با مصرف کردن آنچه حق او نیست، به دیگران زیان می‌رساند از خود پیرانند؛ چه یکی از مهمترین مصداقهای فریضهٔ بزرگ «نهی از منکر» نهی از اسراف است و ایستادگی سخت در برابر مسرفان و مصرف‌گران، که اغلب در میان ثروتمندان رفاه زده و اطرافیان و هواداران - ایشان و همچنین کسانی دیگر... به هم می‌رسند، لیکن مبارزه با اسراف در هر مورد که باشد لازم است.

و شاید در میان زنان و افراد خانواده‌ها کسان بسیاری باشند که به این امر مهم توجه نداشته باشند و از اسراف و مصرف بیش از اندازه اجتناب نکنند، پس بر هر فرد از افراد خانواده

واجب است که خود را به پرهیز کردن از اسراف عادت دهد، و هر جا با آن روبه‌رو شود به مبارزه با آن بپردازد، و ریشه‌های آن را به هر صورت که ممکن است بر کند.

و بر ائمه جمعه و جماعت و خطیبان لازم است که آثار بد و منفي مصرف تکثیری و اسراف را به مردم همواره بگویند، و از آنها آگاهشان سازند، و از بی‌توجهی به آن آثار ویرانگر فردی و اجتماعی و اخلاقی و... سخت بیمشان دهند.

حاکمیت اسلامی و مسرفان: برای حکومت اسلامی در راه مبارزه با اسراف میدانی گسترده وجود دارد، و دستگاه حکومت باید در این موارد به کار برخیزد:

۱. اجرا کردن فتوای علمای آگاه و منزّه از مداخله، و رواج دادن گفته‌های ایشان در میان مردم.

۲. تنظیم برنامه‌هایی تربیتی و عملی، در جهت شناساندن «اسراف و موارد آن و مبارزه آموزنده با آن، در مراحل مختلف درسی، تانسلهای نوجوان و جوان بر شالودهٔ پرهیز از اسراف و مصرفی‌گری و حذف آن از زندگی پرورش یابند.

۳. مراقبت کامل و قاطع در همهٔ دوایر و مؤسسات اداری، به صورتی که در آنها هیچگونه اسرافکاری در هزینه‌ها و افزارها و لوازم و مصالح، در مراسم اجرایی و جشنها و مهمانی‌ها و مسافرتها و نظایر آنها صورت نگیرد، و در اداره کوچک و بزرگ امور مسلمانان زیانی به آنان نرسد.

۴. نظارت قاطع و دقیق بر تولید، تا تولیدکنندگان به هیچ وجه نتوانند از لحاظ کمی و کیفی تولید را، برای مقاصد سودجویانهٔ خویش که مضر به حال اجتماع است، مورد سوء استفاده قرار دهند.

۵. مراقبت قطعی بر امور مربوط به واردات و صادرات.<sup>۳۷</sup>

**بخل**

در بررسی انگوی مصرف از نظر اسلام و منابع دینی همان‌گونه که حد بالای آن یعنی اسراف مذمت و نکوهش شده است، حد پائین آن یعنی بخل نیز نکوهیده است. بخل یکی از صفات رذیله است و در جای جای قرآن آیاتی به ذم بخل و بخیل پرداخته‌اند<sup>۳۸</sup> به ویژه زمانی که این صفت سد راه انفاق فرد شود:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُمْ خَيْرًا لَمْ يَلْهُمُ شَيْءٌ لَمْ يَكْفُرُوا وَلَئِنْ كَانُوا يَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّسْلِمُونَ  
بَخِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. (آل عمران: ۱۸۰)

آنان که بخل نموده و حقوق فقیران را از مالی که خدا به قصد خویش به آنها داده ادا نمی‌کنند، گمان نکنند که این بخل به منفعت آنها خواهد بود بلکه به ضرر آنها است چه آنکه آن مالی که در آن بخل ورزیده‌اند در روز قیامت طوق گردن آنها شود و تنها خدا وارث آسمانها و زمین خواهد بود و خدا به کردار نیک و بد شما آگاه است.

خداوند متعال ضمن طرد قطعی این عمل، مسلمانان را از آن بر حذر می‌دارد. ۳۹ قرآن کریم در سوره نساء (آیات ۳۶ و ۳۷) انسانهای بخیل و کسانی را که چنین اندیشه خلافی را ترویج می‌کنند، جهنمی معرفی کرده و نسبت به عاقبت شوم آن هشدار می‌دهد:

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْمُنَىٰ فَمُنَىٰ لَهُ الْعُشْرَىٰ. (لیل: ۸-۱۰)

آن کس که بخل ورزید و خود را بی نیاز شمرد و وعده نیکوی الهی را تکذیب کرد ما او را آماده دشواری‌ترین وضعیت خواهیم کرد.

قرآن کریم در توصیف این فخر فروشان خود خواه می‌فرماید:

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ فَخُورَ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْغَنِيُّ. (حدید: ۲۳-۲۴)

و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. همانها که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل دعوت می‌کنند؛ و هر کس (از این فرمان) رویگردان شود، (به خود زیان می‌رساند، نه به خدا، چرا که) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.

در احادیث و روایات نیز بخل جامع همه عیبهای بده<sup>۴۰</sup>، نکوهیده‌ترین خصلت<sup>۴۱</sup>، و «مایه ننگ و شرمندگی»<sup>۴۲</sup> خوانده شده و سفارش گردیده است از نعمت‌های حلالی که خداوند در اختیار شما قرار داده، تمتع بجوئید. ۴۳ امام سجاده (ع) در این زمینه می‌فرماید:

أَنَا حَقٌّ مَالِكٌ، فَإِنْ لَا تَأْخُذُهُ إِلَّا مِنْ جِلْدِهِ، وَلَا تَقْتُلُهُ إِلَّا فِي وَجْهِهِ... وَلَا تَبْخُلْ قَبِيضًا بِالْحَسْرِ وَالتَّدَامَةِ، مَعَ التَّيْبَةِ... ۴۴

حق مال تو این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری، و جز در آن راه که باید، خرج نکنی... و در آن بخل نورزی که گرفتار حسرت و پشیمانی خواهی شد و نتوان آن را پس خواهی داد.

بر اساس روایات، بخل سبب زدودن ایمان از انسان و دور شدن او از خدا می‌شود. امام رضا (ع) بخل را ضد ایمان، و آفتی می‌داند که در انسانهای آزاده و مؤمن یافت نمی‌شود. ۲۵ پیامبر (ص) نیز در روایتی می‌فرماید: «هیچ چیز به اندازه بخل در محو کردن ایمان کارگر

نمی‌شود،<sup>۲۶</sup> امام صادق (ع) نیز به روایت از امام علی می‌فرماید: «چون خداوند به بنده‌ای توجه نداشته باشد، او را به بخل مبتلا می‌سازد.»<sup>۲۷</sup>

بر این اساس بخل محرومیتی بزرگ<sup>۲۸</sup> و اشخاص بخیل زیان‌کارترین افراد خواهند بود زیرا نه تنها از دوستی حق محروم می‌شوند،<sup>۲۹</sup> و آخرت خویش را بر باد می‌دهند، بلکه از مواهب الهی در دنیا نیز بی بهره می‌مانند. چنین کسانی در عین توانگری چون مستمندان زندگی می‌کنند و فقر خودخواسته‌ای را تحمل می‌نمایند، و به دلیل حبس امکانات و عدم بهره‌وری صحیح از نعمت‌های خداوندی، ناچار از پاسخگویی هستند؛ زیرا نسبت به مواهب ربوبی بخل ورزیده‌اند و خود و دیگران را از برکات آن محروم کرده‌اند.<sup>۵۰</sup> لذا امام علی (ع) می‌فرماید:

عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعِجِلُ النَّقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ، وَيَقْوُتُهُ الْغَنَى الَّذِي آتَاهُ طَلَبَ. فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ، وَيُعَارِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْغَنِيَاءِ. ۵۱

در شگفتم از بخیل که از فقر و تهیدستی می‌گریزد ولی فقیرانه زندگی می‌کند، از فرصت بی‌نیازی که در اختیار دارد به درستی استفاده نمی‌کند. در دنیا حیات فقیرانه دارد ولی در روز واپسین ناچار است همانند توانگران حساب پس دهد.

### اعتدال و میانه‌روی

راه روشنی که خداوند سبحان توسط قرآن کریم و احکام آن به ما نشان داده، و انسان را به پیمودن آن سفارش کرده است، راه میانه است: «و عَلَى اللَّهِ قَضَاءُ السَّبِيلِ (نحل: ۹) بر خداوند است نشان دادن راه میانه». و این راه خود نردبان رشد فردی و تکامل اجتماعی است. پس هر کس از این راه برود، به هدفی که خواستار آن است خواهد رسید، و هر کس آن را ترک کند، در دام فساد و ستمگری و کجراهی خواهد افتاد. امام علی بن ابیطالب (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَرَكَ الْقَصْدَ جَانَ. ۵۲

هر کس راه راست و میانه را رها کند، به بیراه می‌افتد.

الگوی مصرف انسان مسلمان، همچون دیگر ابعاد زندگی او بر پایه اصل مترقی اعتدال و میانه روی است. راه میانه و اعتدال در مصرف راهی است که پیمودن آن آدمی را نجات می‌بخشد، و او را از گرفتاری در چنگال دوا سارت فزونخواهی و فقر رها می‌کند، و آن راهی است که تسلط کامل انسان را بر مال و بر ضروریات مادی و اقتصادی تثبیت می‌کند،

بدون آنکه مال و ضروریات زندگی بر انسان تسلط یابند و او را در بند و زنجیر خود اسیر سازند. پس با پیمودن این راه آدمی از اسارت استهلاک و مصرف نادرست و همچنین از آثار شوم و منفی فقر خلاص می شود.

دین اسلام و آیات و روایات همگی بر پرهیز از اسراف و بخل، و میانه روی در مصرف تأکید دارند. از امام رضا(ع) درباره چگونگی تأمین مخارج خانواده سؤال کردند، فرمود: (مخارج خانواده) حد وسط است میان دو روش ناپسند. گفتند این دو روش چیست؟ فرمودند: ... آیا نمی دانی که خداوند اسراف (زیاده روی) و اقتدار (سخت گیری) را نمی پسندد<sup>۵۲</sup> و در قرآن فرموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)

دین اسلام در الگوی مصرف مورد نظرش، نوع بشر را به سوی همیاری و دستگیری از هم سوق داده و از الگوی مصرفی کافران که همچون بهائم تنها به فکر خویش هستند بر حذر می دارد.<sup>۵۳</sup> انسان مسلمان نمی تواند نسبت به مستمندان و فرودستان و هم نوع خود بی تفاوت باشد. روایات متعددی شرط مسلمانی و خدا پرستی را اهتمام به امور دیگران بیان کرده اند. پیامبر اکرم(ص) در این باره می فرماید:

ما آمن بالله من شيع وأخوه جائع ولا آمن بالله من إكسي وأخوة عريان.<sup>۵۵</sup>

کسی که سیر بخورد و خوب بپوشد (از مصرف در حد مطلوب برخوردار باشد) در حالی که برادران ایمانی وی گرسنه و عریانند، به خدا ایمان نیاورده است.

آنچه از احادیث و دسنورهای قرآنی بر می آید، این است که همه افراد باید نسبت به تمام آنچه مصرف می کنند، دقت لازم را داشته باشند. تجاوز از حد میانه زندگی را به اشرافیت و اتراف می کشاند و این کاملاً مغایر با سفارشات قرآن و معصومین است. پیامبر(ص) می فرماید:

إياكم والسرف في المال والتفقه، وعليكم بالاعتصام، فما انفق قوم قط انتبذوا.<sup>۵۶</sup>

از اسراف در خرج کردن مال پرهیزید، و بر شما باد میانه روی و صرفه جویی که میانه روان هرگز فقیر نخواهند شد.

اصلی ترین عنصر اعتدال در مصرف، مصرف در حد کفایت است. امام باقر(ع) به نقل از امام سجاد فرمودند: «مرد باید در خرج کردن میانه رو باشد و به اندازه کفایت بسنده کند».<sup>۵۷</sup> رعایت حد کفایت به فرموده امام علی(ع) از ارکان دین<sup>۵۸</sup> و به فرموده امام سجاد(ع) «موجب بقای منابع و امکانات»<sup>۵۹</sup> و در نتیجه وفور کالاهاست. اگر اقتصاد کشوری بر پایه

سال نهم - شماره ۳۳

فراوانی کالاها و منابع تنظیم شود، روشن است که دستیابی به رفاه در آن کشور آسان تر خواهد بود.<sup>۶۰</sup> آموزه های دینی به طور روشن، حد کفایت در مصرف را واضحاً کفایت کرده اند. در حد کفایت تأمین نیازهای طبیعی و ضروری برای یک زندگی آبرومندانه شرط لازم است و مصرف باید معقول و منطقی باشد. اعتدال جوهره عقلانیت و به عبارت دقیق تر عین عقلانیت است؛ بنابراین، مصرف معقول همان مصرف معتدل است. امام کاظم(ع) در این باره می فرماید:

فإن عقل قنع بما يكفي وعن قنع بما يكفيه إشتغاف.<sup>۶۱</sup>

هر کس عقلانه اندیشه کند، به زندگی در حد کفایت قانع است و هر کس به زندگی در حد کفایت قانع باشد، بی نیاز خواهد بود.

### میانه روی در همه امور

احادیث و روایات وارده از ائمه معصومین اعتدال و میانه روی را در تک تک امور زندگی تأکید کرده اند: از خوردن و آشامیدن<sup>۶۲</sup> گرفته تا پوشاک<sup>۶۳</sup>، اسباب و وسایل زندگی،<sup>۶۴</sup> هزینه های ازدواج،<sup>۶۵</sup> خانه و مسکن<sup>۶۶</sup> و ... که در این جا به چند نمونه از آن اشاره می گردد.<sup>۶۷</sup>

### خوردن و آشامیدن

مصرف خوراکیها و نوشیدنیها و مواد غذایی، بر حسب شرع، از لحاظ کمیّت و کیفیت محدودیت دارد، و انسان نمی تواند از آنها جز با اعتدال و میانه روی استفاده کند. امام صادق(ع) به روایت ابان بن تغلب در این زمینه می فرماید:

ولكن المال مال الله، يرضه عند الرجل ودائع، وجوز لهم أن ياكلوا تصدأ... ويشربوا تصدأ... ومن عدا ذلك كان عليه حراماً...<sup>۶۸</sup>

مال، مال خداست، آن را نزد آدمیان به امانت نهاده و برایشان روا داشته است که با اعتدال بخورند و با اعتدال بیاشامند ... (تا به همگان برسد) و جزء این بر آنان حرام است.

اعتدال در خوردن و آشامیدن، به لحاظ جسمی و روحی برای انسان خوب و مناسب است، چنانکه امام علی بن ابیطالب(ع) می فرماید:

من أتصّر في أكله، كثرت صحته وصلحت فكرته.<sup>۶۹</sup>

هر کس در خوراک خود کمتر مصرف کند، سلامتی او افزونتر و فکر او بازتر خواهد بود. و امام علی بن موسی الرضا(ع) می فرماید:

الگوی مصرف در آیات و روایات

اگر مردمان در مصرف خوراک میانه روی را پیشه خود سازند، بدنهایشان سالم و محکم می‌شود. پس حدی که نظام تکوینی (آفرینش)، خوردن و آشامیدن آن را مجاز می‌شمارد، همان است که نظام تشریحی (احکام دینی) نیز روا می‌دارد، یعنی حد میانه، نه بیشتر و نه کمتر. بنابراین برخوردی و شکم پرستی خروج از حد تکوینی است، و شرع نیز آن را روا نمی‌شمارد: «إِذَا شَبِعَ الْبَطْنُ طَعْيًا<sup>۷۱</sup>» چون شکم سیر شود سر به طغیان برمی‌دارد، اگر سنگی نیز بیرون رفتن از مرز اعتدال است و شرع مخالف با آن است.<sup>۷۲</sup>

پس بر انسانی که بر سر سفره‌های اطعام خدا نشسته، واجب است از اسراف دوری گزیند، و نفس خویش را به قیدهای اعتدال و میانه روی مقید سازد، تا از یک سو با تباه کردن تندرستی و اندیشه خویش برخورد ستم نکند و از سوی دیگر با خوردن چیزی که از آن او نیست بر دیگری ستم نکند و کار حرامی انجام نداده باشد.<sup>۷۳</sup>

**مسکن**

از مظاهر آشکار استکبار و استضعاف اقتصادی و نظام طبقاتی نادرست و کامرانی و ناکامی اجتماعی، خانه است و تفاوت‌های کلان موجود میان کوخها و ساکنان آنها و کاخها و ساکنان آنها (در صورتی که همه انسانند و مسلمان یا هم‌نوع و در اجتماع و محیطی اسلامی زندگی می‌کنند)، و این دو چگونگی لازم و ملزوم یکدیگرند؛ یعنی وجود کاخ در شهر سبب پیدا شدن کوخ و آلونک است، همانگونه که وجود کوخ و آلونک از وجود کاخ خبر می‌دهد. و از اینجاست که می‌نگریم پیامبر رهایی‌بخش، از آن صحابی انصاری که گنبد و قبه ساخته بود اعراض کرد و جواب سلامش را (با وجود واجب بودن جواب سلام) نداد، تا آنگاه که صاحب قبه آن را در هم کوبید و با زمین یکسان کرد و این بدان جهت است که قبه و کاخ (ساختمانهای اترافی و اشرافی) آفریننده کوخ است، و به اسراف می‌انجامد، و موجب تکبر و برتری جویی می‌شود.

مسکن و خانه باید از مقدار بسنده برای سکنی و از حد کفاف تجاوز نکند.<sup>۷۴</sup> و به چیزی «بیش از محل سکونت بودن» نرسد. امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید:  
 كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَيَالُ عَلِيٍّ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۷۵</sup>  
 هر بنایی که بیش از کفاف و بندگی باشد - در روز قیامت - و یال و عقوبتی برای صاحب آن خواهد شد.

بر همین اساس قرآن کریم ساختن ساختمانهای تجملی و اشرافی را نهی کرده است.<sup>۷۶</sup> حکمت عملی در این موضوعگیری قاطع آن است که منع شدن ساختن چنین بناهایی و عادت دادن مردم به دوری جستن از آنها، موجب می‌شود زمینها و مصالح ساختمانی به دیگران هم برسد و کسان دیگر نیز زحمت بهره‌مند شدن از خانه و لو کوچک را پیدا کنند.<sup>۷۷</sup> در پایان این نوشتار به عنوان نتیجه‌گیری دو موضوع مهم مربوط به الگوی مصرف یادآور می‌گردد، که نباید از آنها غفلت ورزید:

۱. از مهمترین انگیزه‌ها برای محدودیت مصرف انگیزه اقتصادی است، زیرا که محدودیت مصرف از نیرومندترین عوامل رشد اقتصادی است. هرگاه افراط در مصرف از میان برود، و از گونه‌های مختلف مصارف تجملی جلوگیری به عمل آید، مالها - در جهت اقدامهایی سودمند مانند «تولید درست» به کار می‌افتند، و مواد اولیه و طبیعی به گونه‌ای به مصرف می‌رسد که برای زندگی مردمان ضرورت دارد؛ در نتیجه نیازمندیهای ضروری و معتدل جایگزین اسراف و تجمل زاید و مصرف اعیانی و اشرافی خواهد شد.

آری، حذف اسراف کمی و کیفی به آنجا می‌انجامد که فزونی درآمدها در راه تولید بیشتر، که برنامه آنها را باید متخصصان طرح‌ریزی کنند - هزینه‌گذاری می‌شود. و از این راه رسیدن به «استقلال اقتصادی» میسر می‌شود، که مایه قوام دین جامعه و معیشت آنان خواهد بود.  
 ۲. آزادی در مصرف ما را به نابودی منابع نیرو و مواد غذایی و دیگر ضروریات تهدید می‌کند. اگر منتعمان و شادخواران - یا پاره‌ای دیگر از مردم که از اخلاق آنان رنگ گرفته‌اند - به شکل کنونی مصرف و استهلاك ادامه دهند، که منتهای آرزوی متکثران است (زیرا که سبب رواج یافتن بازارهای تولیدات ایشان می‌شود)، منابع نیرو و غذا و دیگر چیزها به صورتی فاحش مضمحل می‌شود؛ لیکن اگر از مصرف مسرفانه جلوگیری به عمل آید، آنچه موجود است به همه می‌رسد، و از منابع استفاده فراوان و بی‌رویه نمی‌شود؛ و در این هنگام متکثران بسیاری از درآمدهای تحمیل شده خود را بر بازارها از دست می‌دهند، و این کار به سود قشرهای کم درآمد و مستضعف اجتماع تمام می‌شود.

بنابراین، رعایت الگوی مصرف با ترک مصرف آزاد و طرد آن، همانگونه که به نجات انسان می‌انجامد، سبب آن می‌شود که متکثران نیز بازارهای مصرف تولیدهای خود را از دست بدهند. پس لازم است هرچه بیشتر مبارزه بر ضد آزادی مصرف در سرلوحه برنامه‌های اقتصادی و معیشتی هر اجتماعی قرار گیرد که می‌خواهد به صورتی انسانی و سالم و مستقل و نیرومند و سربلند زندگی کند.<sup>۷۸</sup>



۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در نوروز سال ۱۳۸۸ مشهد مقدس.
۲. "Consumption pattern reforms".
۳. ر.ک: سایت مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (www.RCIRIB.Ir)
۴. الگوی مصرف در اسلام و غرب، مجید توریان، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
۵. نظری اجمالی بر اصول و مبانی مصرف در اسلام، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۸، ص یک.
۶. در این زمینه ر.ک: الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، ابراهیم رزاقی، تهران: چاپخش، ۱۳۷۲.
۷. الگوی مصرف در اسلام و غرب، پیشین، ص ۱۲.
۸. همان، ص ۱.
۹. الحیاء، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، ترجمه احمد آرام، قم: دلیل ما، چاپ هشتم، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۰۶.
۱۰. ر.ک: نحل: ۱۰-۱۲، مانده: ۸۷.
۱۱. فرقان: ۶۷.
۱۲. ر.ک: نظری اجمالی بر اصول و مبانی مصرف در اسلام، پیشین، ص ۹۰ به بعد.
۱۳. ر.ک: طه: ۸۱، مانده: ۸۷.
۱۴. سفینه البحار و مدینه الحکم والائثار، شیخ عباس قمی، بیروت: دارالمرتضی، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۶.
۱۵. ر.ک: اعراف: ۳۱، انعام: ۱۴۱، انبیاء: ۹، اسراء: ۲۶.
۱۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹، ق/۱۳۳۹، ج ۷، ص ۱۷۹.
۱۷. الحیاء، پیشین، ج ۴، ص ۳۰۹ به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.
۱۸. همان به نقل از غررالحکم، ص ۳۰۷.
۱۹. الفروع من الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق الکلینی الرازی، بیروت: دارالتعارف، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۱ هـ، ج ۴، ص ۵۲.
۲۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۳.
۲۱. الحیاء، ج ۴، ص ۲۲۰ به نقل از تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۷.
۲۲. اسراء: ۲۶.
۲۳. ر.ک: بقره: ۲۰۵.
۲۴. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، تهران: فیض الاسلام، ۱۳۷۲، ص ۸۷۱.
۲۵. الفروع من الکافی، پیشین، ج ۴، ص ۵۲.
۲۶. نهج البلاغه، پیشین، ص ۳۹۰.
۲۷. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، تصحیح عبدالرحیم الریاض الشیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۲ هـ / ۱۹۸۳ م، ج ۱۵، ص ۲۵۷.
۲۸. الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۶۷.
۲۹. سفینه البحار، پیشین، ج ۱، ص ۶۱۶.
۳۰. بحارالانوار، محمداقبر مجلسی، طهران: المکتبه الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۷ هـ، ج ۳، ص ۲۱.
۳۱. سفینه البحار، همان.
۳۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۲، ص ۱۱۰۳.

۳۳. برای آگاهی از ماجرای «ابولبابه» ر.ک: فروع ابدیت، جعفر سبحانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۲.
۳۴. الحیاء، ج ۶، ص ۸۸.
۳۵. ر.ک: انبیاء: ۹.
۳۶. ر.ک: الحیاء، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۵.
۳۷. همان، ص ۳۳۹-۳۴۱.
۳۸. ر.ک: آل عمران: ۱۸، توبه: ۷۶، محمله: ۲۸.
۳۹. اسراء: ۲۹.
۴۰. نهج البلاغه، ص ۱۲۶۶.
۴۱. بحارالانوار، پیشین، ج ۷۸، ص ۳۶۹.
۴۲. نهج البلاغه، حکمت ۳، ص ۱۰۸۹.
۴۳. الفروع من الکافی، ج ۸، ص ۶۹.
۴۴. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸.
۴۵. همان، ص ۳۴۶.
۴۶. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۷.
۴۷. الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۴۴.
۴۸. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۸۸.
۴۹. همان، ج ۷۵، ص ۱۷۶.
۵۰. نظری از دریا (گذری و نظری بر حکمت‌های نهج البلاغه)، اکبر حمیدزاده، تهران: پیام نوین، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۳۱.
۵۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۱، ص ۱۱۴۵.
۵۲. تحف العقول عن آل الرسول، ابو محمد حسن بن علی بن حسین شعبه الحرانی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الخامسة، ۱۳۹۴ هـ / ۱۹۷۴ م، ص ۶۱.
۵۳. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، محمدرضا حکیمی، ص ۸۲.
۵۴. ر.ک: محمله: ۱۲.
۵۵. الحیاء، ج ۵، ص ۱۱۴.
۵۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۹۲.
۵۷. الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۵۲.
۵۸. الگوی مصرف در اسلام و غرب، پیشین، ص ۲۵ به نقل از میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۱۹.
۵۹. الحیاء، ج ۴، ص ۲۶۵.
۶۰. الگوی مصرف در اسلام و غرب، همان.
۶۱. الحیاء، ج ۳، ص ۳۳۲.
۶۲. الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹.
۶۳. امالی، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، قم: منشورات مکتبه النادوری، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.
۶۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴، ص ۶۱۲.
۶۵. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۲۳.
۶۶. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۸.

- ۶۷. این بحث برگرفته از کتاب الحیاة، ج ۴، ص ۲۸۷-۲۹۲، می باشد.
- ۶۸. کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، محمد بن مسعود بن عیاشی (العیاشی)، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا، ج ۲، ص ۱۳.
- ۶۹. الحیاة، ج ۴، ص ۲۸۸ به نقل از غرر الحکم، ص ۲۸۸.
- ۷۰. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۳۴.
- ۷۱. الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۲۷۰.
- ۷۲. الحیاة، ج ۴، ص ۲۸۸ به نقل از اصول کالی، ج ۲، ص ۶۸۸.
- ۷۳. رک: همان، ص ۲۸۹.
- ۷۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۱۸.
- ۷۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۷.
- ۷۶. شعرا: ۱۲۸-۱۲۹.
- ۷۷. الحیاة، ج ۴، ص ۲۸۳.
- ۷۸. رک: همان، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

پیمان سال نهم - شماره ۳۲